دست آخر

ساموئل بکت | ترجمهٔ علی‌اکبر علیزاد

نمایشنامه‌های بیدگل: بکت (۳)

www.ketab.ir

www.ketab.ir

سرشناسه: بکت، ساموئل، ۱۹۸۹ - ۱۹۰۶ م. Beckett, Samuel
عنوان و نام پدیدآور: دست آخر/ساموئل بکت ؛ ترجمه علی‌اکبر علیزاد.
مشخصات نشر: تهران: بیدگل، ۱۳۹۹.
مشخصات ظاهری: ۸۳ص.
شابک: ۹-۳۳-۶۸۶۳-۶۲۲-۹۷۸
وضعیت فهرست نویسی: فیپا
یادداشت: عنوان اصلی: .The complete dramatic works
موضوع: نمایشنامه فرانسه-- قرن ۲۰م.
موضوع: French drama -- 20th century
شناسهٔ افزوده: علیزاد، علی‌اکبر، ۱۳۵۲ - ، مترجم
رده‌بندی کنگره: PQ۲۶۰۶
رده‌بندی دیویی: ۸۴۲/۹۱۴
شمارهٔ کتابشناسی ملی: ۶۰۵۴۶۵۴

| دست آخر |
| ساموئل بکت |
| ترجمهٔ علی‌اکبر علیزاد |
| ویراستار: سمیه پیربازاری |
| نمونه‌خوان: کیمیا نیک‌پور |
| مدیر هنری و طراح گرافیک: سیاوش تصاعدیان |
| مدیر تولید: مصطفی شریفی |
| چاپ اول | ۱۳۹۹ تهران | ۱۰۰۰ نسخه |
| شابک: ۹-۳۳-۶۸۶۳-۶۲۲-۹۷۸ |

| نشر بیدگل | Bidgol Publishing co. |
| تلفن انتشارات: ۱۷ ۱۷ ۲۸۴۲ |
| فروشگاه | تهران | خیابان انقلاب | بین ۱۲ فروردین و فخررازی | پلاک ۱۲۷۴ |
| تلفن فروشگاه: ۱۷ ۳۶ ۹۶ ۶۶ . ۴۵ ۳۵ ۴۶ ۶۶ |

| bidgolpublishing.com |
| همهٔ حقوق چاپ و نشر برای ناشر محفوظ است. |
| هرگونه اجرایی از این نمایشنامه منوط به اجازهٔ رسمی از مترجم یا ناشر است. |

• یادداشتی در مورد حقوق مادی و معنوی این اثر:

اجرای نمایشنامه‌های چاپ‌شده، بدون کسب اجازه از مترجم و ناشر، به کاری معمول در تئاتر ایران بدل شده است؛ این کار بیشتر اوقات با تغییر جزئی در ترجمه و دست‌بردن در آن صورت می‌گیرد و هدف و نتیجهٔ آن کتمان حقوق معنوی و مادی صاحبان اثر، و توهین به مخاطبان و نپذیرفتن هیچ‌گونه مسئولیت حرفه‌ای است.

برای مترجمان بسیار پیش می‌آید که بدون چشم‌داشت مادی اجازهٔ اجرای اثر را بدهند، به‌خصوص برای همراهی با اجراهای شهرستان‌ها و دانشجویان، اما بی‌شک همهٔ آنان خواستار رعایت حقوق معنوی خود (ذکر نام مترجم) در هر اجرایی هستند.

بنابراین، نشر بیدگل استفادهٔ بدون اجازه از ترجمه‌های نمایشی‌اش را، اعم از اجراهای رسمی کوچک یا بزرگ، به‌ویژه در تئاتر تهران و جشنواره‌ها، اقدامی غیرقانونی قلمداد می‌کند و از طریق مراجع مربوط موضوع را به‌جد پیگیری خواهد کرد.

www.ketab.ir

مقدمه

تمومه، تقریباً تمومه

اولین جمله‌ی بکت آخر بکت. کلاو تکیه به دیوار اولین گفتارهای نمایشنامه را ادا می‌کند. اعلان پایان دقیقاً به معنای خودِ پایان نیست. در نمایشنامه‌های بکت پایان رخ نمی‌دهد. سبیه زمان‌های کافکا، این درام‌ها تا ابد ادامه پیدا می‌کنند. نوعی اعلان پایان و در عین حال امکان‌ناپذیریِ پایان همیشه در این درام‌ها وجود دارد. اما چرا دقیقاً نوعی انبار برای اعلان پایان و عدم امکان پایان در این آثار دست‌اندرکار است؟

بکت در دههٔ ۱۹۴۰، در فرانسه شاهد حملهٔ نازی‌ها به پاریس و درگیرشدن در جنبش مقاومت است. علاوه‌براین، در همین دهه شاهد برپایی اردوگاه‌های کار اجباری یهودیان و رخدادهای فاجعه‌بار پس از آن بوده است. در دههٔ ۶۰ تا ۸۰ هم فجایع دولت‌های توتالیتر و کمونیستی اروپای شرقی را از نزدیک دنبال می‌کند. در همهٔ این دهه‌ها، و از زمانی که بکت نمایش فاجعه را در گودو آغاز می‌کند، تا دههٔ هشتاد و نمایشنامهٔ فاجعه، که به واسلاو هاول تقدیم شده است، تصویرپردازیِ فاجعهٔ پایان تا سرحدات خود پیش می‌رود. او تنها هنرمندی نبود که در آن دهه‌ها مخاطرات ناشی از مدرنیسم، دو جنگ جهانی، توتالیتاریسمِ روسی، و فجایع زیست‌محیطی را، هم پیشگویی می‌کرد

www.ketab.ir

و هم به‌عینه می‌دید. اما هنر بکت سر آن نداشت که از فاجعه سخن بگوید مگر با چشم‌پوشی مستقیم و سکوت مرگ‌بار. بنابراین، چه در نمایشنامه‌های بلند و چه در آثار کوتاه‌تر، او به ابداع زبانی می‌پردازد که بتواند این خواستهٔ معین را دنبال کند: فاجعهٔ ما حی‌وحاضر اینجاست.

روش بکت برای نیل به این مقصود، که ازقضا هستهٔ مقاومتی کم‌نظیر را در کار وی تشکیل می‌دهد، روش حذف و تقلیل هم‌زمان فرم و محتوا تا سرحدات خود ورد. بنابراین، از پس نمایشنامه‌های پُرحرف و عریض‌وطویلی چون در انتظار گودو، به‌تدریج تصویرپردازی سکوت، زوال، مرگ، و پایان، در آثاری به‌شدت تکیده و بی‌روح نظیر من نه، بازی، صدای پا، و یا آمد و رفت، و به‌طور کل درامِ متأخر بکت، تجسم می‌یابد. حتی درون‌مایه‌های نمایشنامه‌های بزرگ‌تر (گودو، دست آخر، روزهای خوش)، به‌خصوص درون‌مایهٔ زوال، که از نظر من مهم‌ترین درون‌مایهٔ همهٔ آثار بکت محسوب می‌شوند، در این درام‌های تکیده‌تر، به نحو بسیار پیچیده، و حه‌بسا دقیق و انتزاعی‌تری تجسم می‌یابد.

دست آخر، آن‌طور که مشهور است، در مورد آخر جهان است، اما همهٔ درام‌های بکت نوعی دست آخر محسوب می‌شوند. آنها به‌طور مشخص درمورد زوال و پوسیدگی و اضمحلال هستند و نه دقیقاً درمورد پایان. بکت پایان را اعلام نمی‌کند، بلکه صرفاً نشانه‌های آن را پیش چشم ما می‌دارد. این نشانه‌ها همیشه در شکل روتین‌های بکتی، اشیایی که فیگورهای بکتی ا ستفاده می‌کنند، مفهوم پیری، و به‌طرزی بسیار بنیادی‌تر، در تصاویر دراماتیکِ مح‌صاتی بروز پیدا می‌کنند. فیگورهای بکتی درحالی‌که به اندازهٔ کافی برای پیرشدن رحمت برند، و درحالی‌که در برزخِ نیمه‌روشن خود گیر کرده‌اند، روتین‌های هرروزهٔ خ را پی می‌گیرند و سرگرم بازی بی‌پایان کشتن زمان می‌شوند.

بکت با تصاویر گودو و دست آخر اشارات بسیار صریحی به مفهوم زوال و پایان می‌کند. در گودو زمین بایر، زوال پوتزو و لاکی در پردهٔ دوم، پیری زودرس لاکی، و تنهایی بی‌حدوحصر دی‌دی و گوگو، اشارتی به پایان دارد. در دست آخر زوال

www.ketab.ir

و ویرانی با گفتار ابتدایی کلاو و، سپس جلوتر، در طعنه‌های نیش‌دارِ هَم اعلام می‌شود:

تمومه. تموم کردیم. تقریباً تمومه. (مکث) دیگه نطقی نخواهد بود. (مکث) یه چیزی تو سرم چکه می‌کنه. (ص۵۶)

در اینجا نیز، شبیه گودو، تصویرپردازی فاجعه در قالب پناهگاه آخرالزمانیِ آن دو، کوریِ هَم، زندگی گیاهی نَگ و نِل، و روتین‌های مکرر (رفت‌وآمدهای پیاپی کلاو و نظم دقیق کاربرد اشیا) رخ می‌دهد. اما چرا علی‌رغم این ارجاعاتِ مکرر به پایان، چیزی در این آثار به پایان نمی‌رسد؟ چون فیگورهای بکتی نمی‌میرند تا ابد در درون روتین‌های تکراری خود گیر افتاده‌اند. پایان برای آنها نوید نوعی خوشبختی است. نوعی راه چارهٔ خوش‌بینانه. به نظر من، ایدهٔ پایان‌بخشی، با تصور بکت از فاجعهٔ دائمی جهان همخوان نیست. در کار بکت فاجعه نه‌تنها قابل نقل به صورت مستقیم نیست، بلکه اساساً پایان نمی‌یابد، همیشه پیش‌چشم ماست. فاجعه مدام اَشکال جدیدی به خود می‌گیرد. از احتمال جنگ‌های ویرانگر تا شکنجه و زجر حکومت‌های خودکامه، تا فجایع زیست‌محیطی، که نمونه بارز همهٔ آنها را می‌توان در دست آخر دید. بنابراین کلاو، بعد از اینکه می‌گوید «تمومه»، بلافاصله ادامه می‌دهد، «تقریباً تمومه» (ص۱۶) و هَم کاملاً می‌داند که همیشه یک قضیه این است که «یه چیزی داره روندش رو طی می‌کنه.» روند پیری، تحول و اضمحلال. این با درک ما از لحظهٔ حال نیز (اکنون ما) همخوان است: همه‌چیز از قبل بدتر شده و تقریباً به پایان خودش نزدیک‌تر؛ اکنونی که صرفاً آکنده از تهدیدهای آوار و پسماندهای تخریب طبیعت بیرون و درون است.

هَم: طبیعت ما رو فراموش کرده.
کلاو: دیگه طبیعتی وجود نداره.

تهران، آبان ۱۳۹۸

www.ketab.ir